



مقطع تحصیلی: کاردانی  کارشناسی  رشته: مترجمی همزمان انگلیسی .....ترم: .....سال تحصیلی: ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹  
نام درس: **ترجمه همزمان انگلیسی به فارسی** نام و نام خانوادگی مدرس: حسین احمدی رضایی  
آدرس email مدرس: hosseinahmadirezaee@gmail.com تلفن همراه مدرس: .....

جزوه درس: .....ترجمه همزمان انگلیسی به فارسی..... مربوط به هفته : اول  دوم  سوم  چهارم  پنجم   
ششم  هفتم   
text: دارد  ندارد  voice: دارد  ندارد  فایل صوتی قبلا جداگانه ارسال شده است  
power point: دارد  ندارد   
تلفن همراه مدیر گروه : .....

**هدف درس:** آموختن نحوه ترجمه شفاهی (حضوری) از زبان انگلیسی به فارسی  
اهداف فرعی:

۱. آشنایی با موقعیت شناسی در ترجمه آثار دیداری و شنیداری (موقعیت های اجتماعی، علمی، فرهنگی، هنری و مذهبی)
۲. تقویت توان پردازش ذهن و تقویت حافظه فعال (working memory)
۳. بالا بردن کیفیت تلفظ واژگان و عبارات در متن و سرعت بخشیدن به ترجمه همزمان
۴. ترجمه جملات خبری، سوالی، پیچیده و پیچیده مرکب
۵. ترجمه مفهومی از زبان مبدا به مقصد به روش تحت الفظی
۶. تسلط بر مهارت درک معانی، واژگان انگلیسی و معادل یابی آن ها در زبان فارسی

### **دستورالعمل تکلیف جلسه هفتم: (بررسی نیمه دوم فایل صوتی ۶ دقیقه ای)**

در این جلسه به نیمی دیگر از فایل صوتی شش دقیقه ای که متن و ترجمه اش را برایم ارسال کرده اید می پردازیم. در زیر متن و ترجمه خودم را برایتان آورده ام. ضرورت دارد متن ترجمه شده خود را با متن بنده مقایسه کنید و ایرادات احتمالی را یاد بگیرید. همانگونه که در متن می بینید برخی از واژگان و عبارات با رنگ قرمز هایلایت شده است و این بخش ها را برخی از شماها بخوبی ترجمه نکرده اید. البته به این معنا نیست که همه بخش ها را همه خوب ترجمه نکرده اند و هر کسی ممکن است برخی از این بخش های هایلایت شده را بخوبی ترجمه نکرده باشد. در کل نظر شما را به برخی از توصیه ها جلب می کنم:

۱. در ترجمه همزمان خودتان را درگیر ساختار زبان انگلیسی نکنید و آنچه مهم است این که معنا و مفهوم را قربانی ساختار نکنید.
۲. در ترجمه موضوع لحن زبان را مد نظر قرار دهید و همانگونه که می بینید این فایل صوتی در باره یک گفتگو است که نمی تواند دارای سبک خیلی رسمی باشد، پس در این نوع متون نباید به صورت کاملاً کتابی ترجمه کنیم.
۳. برخی از دوستان در ترجمه زمان های انگلیسی به فارسی مشکل داشتند. بنابراین به ترجمه زمان های موجود در متن دقت کنید.
۴. برخی از دوستان در انتخاب واژگان معادل مشکل داشتند که تعداد این دوستان کم نیست. بنابراین برای معادل



های انتخاب شده برای این متن توجه بیشتری نمایید.

۵. برخی از دوستان هم در فهم جملات مشکل داشتند که نشان می دهد در فهم ساختارهای انگلیسی مشکل دارند.
۶. در کل وضعیت دوستان خوب است و تذکر موارد صرفا برای یادگیری بیشتر است و ترجمه بنده هم نمونه ای از یک ترجمه است و بجز در موارد معنا و مفهوم در خصوص نوع نوشتار هر کس می تواند سبک نوشتار خاص خود را داشته باشد.
۷. اما در باره پیاده کردن متن انگلیسی باید بگویم که انتظار دارم قبل از دسترسی به زیرنویس و یا کپی از روی یکدیگر خودتان تا جای ممکن چندین بار متن را گوش کنید، چرا که تقویت توانایی شنیداری و حافظه کوتاه مدت یکی دیگر از اهداف درس مان است.

**Nile:** I don't know what you mean, my cooking is wonderful, Sam. And the **stereotype** is that old people get lonely.

نیل: من نمی دانم منظور شما چیست، آشپزی من خیلی خوب است، سام.  
و تفکر قالبی این است که افراد پیر تنها هستند.

**Sam:** Much like the stereotypes of British people, this may be true in some cases - I've eaten some of your home-cooked meals remember, Neil - but it's not true for the majority.

سام: خیلی شبیه تفکر قالبی در باره انگلیسی ها، این قضیه ممکن است در برخی موارد درست باشد. من بعضی از غذاهای خانگی شما را خورده ام، یادت میاد که نیل؟ اما این برای اکثریت مردم صدق نمی کند.

It is young people who feel lonely more often and more **intensely**.

این جوانان هستند که بیشتر اوقات و با شدت بیشتری احساس تنهایی می کنند.

**Intensely** here means strongly.

به شدت در اینجا به معنی شدیداً است.

The feeling of loneliness is **stronger** in young people than older people.

احساس تنهایی در جوانان از افراد مسن **شدیدتر** است.



**Nil:** The reporter goes on to give some explanation for why young people might be more lonely.

نیل: گزارشگر در ادامه توضیحی می دهد که چرا ممکن است جوانان تنها تر باشند.

**Reporter:** Researchers from the University of Manchester who analysed the data, suggested feeling lonely may **plague** the young because it's a time of identity change. **Figuring out** your place in the world and of learning to **regulate** emotions.

گزارشگر: محققان دانشگاه منچستر که داده ها را تجزیه و تحلیل کرده اند، می گویند که احساس تنهایی ممکن است جوانها را به ستوه بیاورد. زیرا این دوره تغییر هویت آنها است و جوان ها جایگاه خودشان را تو دنیا پیدا می کنند و یاد می گیرند که چطور احساسات خودشان را تنظیم و کنترل کنند.

**Nile:** He says that feeling lonely may **plague** young people, what does he mean there?

نیل: او می گوید که احساس تنهایی ممکن است باعث آزار جوانان شود، منظورش چیست؟

**Sam:** If you are **plagued** by something, it means that it troubles you, it bothers you and not just once, it's something that happens continually or repeatedly.

سام: اگر چیزی شما را **به ستوه میاره**، به این معنی است که شما را آزار می دهد، این قضیه شما رو اذیت می کند و این فقط یکبار رخ نمی ده، این چیزی است که به طور مداوم یا مکرر اتفاق می افتد.

**Nile:** And he says this may be because at that age we are still **figuring out** our place in the world. We are trying to understand the world and what we are supposed to do with our lives.

نیل: و او می گوید این ممکن است به این دلیل باشد که در آن سن است که **ما جایگاه خود در جهان** را پیدا می کنیم. ما در حال تلاش برای درک جهان و آنچه قرار است با زندگی خود انجام دهیم هستیم.

**Sam:** He also suggests that younger people have not yet learned how to **regulate** their emotions, which is another way of saying to **control** their emotions.

سام: وی همچنین می گوید که افراد جوان تر هنوز نیاموخته اند که چگونه احساسات خود را کنترل کنند، و این یک



روش دیگر برای بیان چگونگی کنترل احساسات آنها است.

**Nile:** Right. Time to review this week's vocabulary, but before that let's have the answer to the quiz. I asked: Where is the most **isolated** inhabited place on the planet? Is it:

نیل - درسته. زمان مرور واژگان این هفته است، اما قبل از آن **بیاید بینیم جواب سوال چیست.**

پرسیدم: **دورافتاده ترین ساکنین** کره زمین کجا زندگی می کنند؟ ایا:

a. McMurdo Station in Antarctica.a

الف ( ایستگاه مک ماردو در قطب جنوب

b. Siwa Oasis in Egypt's Western Desert or

ب ( سواویا اواسیس در صحرای غربی مصر، یا این است

c. The island of Tristan da Cunha in the South Atlantic

ج) جزیره ترستان دا کانونا در اقیانوس اطلس جنوبی

What did you say, Sam?

ن - چی گفتی سام؟

S-I said a.

س - من گفتم گزینه الف.

**Nile:** Well, **I'm afraid to say** the answer is actually c) the island of Tristan da Cunha in the South Atlantic.

نیل: خوب، **متاسفم که بگم** جواب درست گزینه ج) جزیره ترستان دا کانا در اقیانوس اطلس جنوبی است.

It has a population of fewer than 300 and it's only accessible by a 6-day voyage by ship from South Africa.

جمعیتی کمتر از ۳۰۰ نفر دارد و از آفریقای جنوبی با کشتی شش روز طول می کشد به آنجا بری.

**Sam:** So not a popular place for a weekend break!

سام: خوب، آیا یک جای محبوب برای تعطیلات آخر هفته نیست!



**Nile:** Indeed not. Now it's time for a **recap** of our vocabulary.

نیل: در واقع اینطور نیست اکنون وقت آن رسیده است که **خلاصه ای** از واژگان خود را مرور کنیم.

The first word was **isolated** which Tristan da Cunha certainly is.

واژه اول **دورافتاده** است که مطمئناً آن جا **Tristan da Cunha** است.

It means far away from other place and people.

یعنی به دور از مردم و هر جای دیگر است.

**Sam:** Then there was **stereotype** the noun for a simplistic view of person or group based on their nationality, age, profession and the like.

سام: سپس واژه تفکر قالبی است؛ یک اسم (از نظر دستوری) به معنای داشتن یک **نگاه ساده انگارانه** در باره یک فرد و یا گروه با توجه به ملیت، سن، حرفه و شغل و چیزهایی از این دست است

**Nile:** **Intensely** means strongly.

نیل: به شدت به معنی شدیداً است.

**Sam:** Being **plagued** by something means it causes you problems and difficulties.

سام: **به ستوه در آمدن** از چیزی به این معنا است که باعث ایجاد مشکلات و سختی ها برای شما می شود.

**Nile:** If you are trying to **figure something out**, you are trying to understand it.

نیل: اگر می خواهید چیزی را بفهمید، سعی کنید که آن را درک کنید.

**Sam:** And **to regulate** something means to control it.

سام: و **تنظیم و یا سامان دادن** به چیزی به معنای کنترل آن است.

**Nile:** Well, sadly, that's the end of the program.

نیل: خوب، متأسفانه، در **پایان برنامه** هستیم.



Hopefully you won't feel too lonely without us, remember we are always here on Instagram, Facebook, Twitter, YouTube, our App and of course the website [bbclearningenglish.com](http://bbclearningenglish.com). See you soon. Goodbye.

امیدوارم بدون ما احساس تنهایی نکنید، به یاد داشته باشید که ما همیشه در اینستاگرام، فیس بوک، توییتر، یوتیوب هستیم و البته وب سایت [bbclearningenglish.com](http://bbclearningenglish.com) هست. به امید دیدار همه. خداحافظ.

**S-Bye!**

سام: خداحافظ!

**Six minute English from [bbclearningenglish.com](http://bbclearningenglish.com)**

شش دقیقه انگلیسی از [bbclearningEnglish.com](http://bbclearningEnglish.com)

موفق باشید: حسین احمدی رضایی